

نقش انقلاب اسلامی در تقویت قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران

محمدباقر خرمشاد^۱

افشین متقی*^۲

چکیده

در هنگامه انقلاب اسلامی دو قطب جهانی آمریکا و شوروی به عنوان دو نیروی ژئوپلیتیکی آن زمان شناخته می شدند و مبادلات و معادلات منطقه ای و فرا منطقه ای با ارجاع به یکی از این دو نیروی متخاصم، مشخص می شدند. غلظت سنگین قدرت سخت افزاری و اتکای بیش از حد بر نیروهای مادی، از جمله شاخص های ژئوپلیتیکی آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد بود. رخداد انقلاب اسلامی با چارچوب اندیشه-راهبردی شیعه سیاسی، این شاخص را دگرگون کرد و نوع جدید از قدرت را که می توان از آن با عنوان قدرت هوشمند یاد کرد، به منصف ظهور گذاشت. امروزه، توان ترکیبی قدرت هوشمند از بن مایه های بایسته در سیاست نوین جهانی به شمار می آید. این توان ترکیبی در امتزاج قدرت نرم و سخت به دست می آید. در واقع، قدرت هوشمند پاسخی هوشمندانه به ناکارآمدی بن مایه های قدرت نرم و سخت و ترکیب این دو نوع قدرت، به شیوه ای است که منجر به هم افزایی و برآیند آن ها گردد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ داده است که شاخص های قدرت هوشمند کدام است و انقلاب اسلامی چه تأثیری بر این شاخص ها داشته است؟ با باز کاوی ابعاد ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی، به این نتیجه به دست می آید که رخداد انقلاب اسلامی، سبب افزایش

^۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

^۲. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران. نویسنده مسئول.

شاخص‌هایی چون ارزش، توان بازیگری فعال در صحنه جهانی سیاست، افزایش بُردِ هژمونیک، هویت و فرهنگ معنوی گردیده است که از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت هوشمند به شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: قدرت هوشمند، انقلاب اسلامی ایران، هویت، فرهنگ

۱. مقدمه

از جوامع ابتدایی تا به امروز، کسب قدرت و بکارگیری آن درخور توجه انسان‌ها، حکومت‌ها و دولت‌ها بوده است. اما وجوه آن در ادوار مختلف، متفاوت بوده و به شکل‌های خاص خود بروز کرده است. تعریف قدرت، به فراخور کاربرد و کارایی گسترده و پهن دامنه آن، بسیار متنوع و متغیر است و هر کس به فراخور اندیشه و حوزه دانش خود به تعریفی از آن دست‌یازیده است. با این حال، قدر مطلق که از تعاریف قدرت می‌توان به دست آورد این است که قدرت به معنای توانایی نفوذ بر دیگران جهت تغییر رفتار آنان و رسیدن به مطلوب است. از این رو، قدرت از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده مناسبات و جایگاه کشورها در روابط بین‌الملل است (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۲۳). مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت در دوره‌های زمانی مختلف در حال تغییر بوده است. در یک دوره زمانی ریشه اصلی کسب قدرت سرزمین وسیع و جمعیت زیاد بود. در مقطعی دیگر، داشتن تجهیزات نظامی و نیروی دریایی قوی عامل اصلی قدرت بوده است. امروزه، فرآیندها و رخدادهایی همچون جهانی‌سازی، انقلاب اطلاعات و دموکراتیزه شدن حکومت‌ها موجب ایجاد تغییرات گسترده‌ای در ساختار قدرت دولت‌ها شده‌اند، این تغییرات به نوبه خود مستلزم رویکردهای جدید در شیوه بهره‌گیری از منابع قدرت هستند. از این روی، در بستر و عرصه چنین عصری، بازنگری و اتخاذ رویکردی جدید از مفاهیمی همچون قدرت بیش از همیشه ضرورت پیدا کرده است (قربانی شیخ نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷). امروزه نظریه‌پردازان علوم سیاسی برآنند که کشوری که بتواند به خوبی ترکیبی از قدرت سخت و نرم را استفاده نماید؛ یعنی به گونه‌ای هوشمندانه از مؤلفه‌های قدرت نرم و سخت استفاده کند، قدرتمند بشمار می‌آید (احمدپور، ۱۳۹۰: ۴۱).

انقلاب اسلامی ایران، یکی از رویدادهای بزرگ در نیمه دوم سده بیستم میلادی است که سبب پدید آمدن دگرگونی‌ها و دگردیسی‌های فراوانی در کشورهای منطقه و ساختار جهانی قدرت شد (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۷۴). انقلاب اسلامی ایران، انقلابی با سرشت و خاستگاه فرهنگی است و ریشه در اندیشه‌ها، باورها، آداب و تعلقات چند صد ساله دینی در این مرز و بوم دارد. از این گذشته، انقلاب اسلامی نوعی برساخت یک نیرو و گفتمان ژئوپلیتیکی متفاوت بود؛ نیرویی که توانست گفتمان چیره قدرت سخت‌افزاری را به چالش بکشد. پس، انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. این انقلاب از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان معناگرایانه، درصدد برآمد با روش‌های غیر سخت‌افزاری، همچون تأکید بر ارزش‌ها، پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش، پراکنش الگوی مردم‌سالاری دینی، توان متقاعدسازی

دیگر ملت‌ها برای شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های معنوی، واکشیدن و برکشیدن جهان اسلام با شخصیت‌های رهبری معنوی، فرهنگ، ارزش‌ها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جایگاه قدرت نرم را در فرآیند استقرار بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار سازد (Hafeznia, et. al, 2014). اگر از زاویه ژئوپلیتیک به انقلاب اسلامی بنگریم، پیدایش زمینه‌های بروز و ظهور قدرت هوشمند را نیز مشاهده خواهیم کرد. بدین معنی که انقلاب اسلامی ایران در رویارویی با دو قطب ژئوپلیتیکی شرق و غرب، تنها به قدرت نرم‌افزاری تأکید نکرد، بلکه به ترکیب همزمان و هم‌راستای قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری معتقد بود (یونسی، ۱۳۸۷: ۳۳). سیاست‌مداران و نظریه‌پردازان فلسفه سیاسی، امروزه بر چنین ترکیبی از قدرت سخت و نرم انگشت تأکید می‌گذارند و بکارگیری آن را با عنوان «قدرت هوشمند»^۱ به بازیگران عرصه سیاسی توصیه می‌کنند (Glasser, 2014: 69). در این پژوهش با واکاوی ابعاد ژئوپلیتیک انقلاب اسلامی، به اثبات این فرضیه خواهیم پرداخت که به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی ایران با ترکیب توانمندی قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ایران، توانسته است شاخص‌های قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران را تقویت کند.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از جنبه هدف و ماهیت، جزو تحقیقات بنیادی است و از جنبه روش، در زمره تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. روش بکار رفته در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است.

۳. چارچوب نظری

۳.۱. گونه‌شناسی قدرت

قدرت یکی از مفاهیم اصلی علم سیاست است که جامعه‌شناسان کوشیده‌اند با تفکیک آن از مشروعیت^۲ و زور^۳، تعریف و ماهیتی جداگانه بدان بخشند (نوابخش و کریمی، ۱۳۸۸: ۵۰). مقوله قدرت در قلمرو تاریخ اندیشه فلسفی همواره از مقوله‌های مهم و تأمل برانگیز بوده است. قدرت مفهومی چند بعدی، جدال برانگیز و دارای معانی گسترده تلقی شده است. چند بعدی بودن این مفهوم موجب شده است تا به راحتی نتوان آن را تشخیص و یا مورد سنجش قرار داد. جدال برانگیزی این مفهوم موجب شده است

^۱ Smart Power

^۲ Authority

^۳ Force

که مناقشات فکری درباره آن همچنان ادامه یابد و تعاریف مختلفی از مفهوم قدرت ارائه شود (نظری، ۱۳۸۶: ۱۲۴). مفهوم قدرت از مفاهیم کلیدی فلسفه اجتماع است و از آنجا که هر معیاری برای ارزیابی نهادها و روابط اجتماعی به تعبیری از قدرت نیاز دارد بدون فهم قدرت، فهم جامعه ناممکن می‌نماید (نظری، ۱۳۸۷). قدرت از یک سو با امنیت گره خورده است. در تفکر سیاسی نخستین بار واژه امنیت توسط سیسرو^۱ و لاکرتیوس^۲ بکار رفته است، که به یک حالت روانشناختی و فلسفی ذهنی یا احساس درونی آزاد شدن از حزن و اندوه اطلاق می‌شده است؛ و بعدها در تاریخ روم مفهومی سیاسی پیدا کرد. در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی نیز مفهوم امنیت به یک مفهوم هنجاری تبدیل شد که با توسعه رفاه اجتماعی، رفاه عمومی و خیر همگانی هم معنا بود. به‌رغم این قدمت کهن، کاوش نظری و واکاوی ابعاد مختلف امنیت حداکثر به آغاز جنگ سرد باز می‌گردد. از نظر لغوی، واژه امنیت از ریشه «*sine cura*» به معنی «بدون ترس» است. واژه‌ای منعطف که می‌تواند شامل ترس از تهدیدهای بزرگ علیه بشریت و یا مسائل کوچک باشد (متقی، ۱۳۹۴: ۵۶۰). در این میان، آنچه مهم است بازکاوی مفهوم قدرت در رابطه با مفهوم قدرت هوشمند است. قدرت بر اساس معیار شدت و حدت، به سه دسته تقسیم می‌شود؛ ۱- قدرت سخت^۳؛ ۲- قدرت نیمه سخت^۴؛ ۳- قدرت نرم^۵.

۳.۱.۱ قدرت سخت؛ قدرت سخت زمانی موضوعیت می‌یابد که استقلال و تمامیت ارضی کشور درخطر یورش نیروهای نظامی کشور دیگر یا اتحادی از کشورهای خارجی یا گروه‌های معارض مسلح داخلی قرار گیرد. در این شرایط، معمولاً هدف اشغال و یا جلوگیری از اشغال سرزمین است (Sehgal, 2013). اقدام‌های مبتنی بر قدرت سخت متکی به روش‌های فیزیکی و عینی همراه با براندازی و یا ضد براندازی آشکار و نیز حذف دفعی است. از این روی، قدرت سخت کشورها را قادر می‌سازد تا هویج‌ها و چماق‌ها را برای رسیدن به خواسته‌های خود به کار برند. منابع قدرت سخت در طول زمان تغییر کرده است. پیشرفت‌های فناورانه سلاح‌های نظامی را دقیق‌تر و ویران‌کننده‌تر ساخته و در عین حال، هزینه‌های سیاسی و اجتماعی کاربرد نیروی نظامی را نیز افزایش داده است (Ibid). فناوری مدرن ارتباطات، از ابهام جنگ کاسته، اما آگاهی سیاسی را تقویت کرده است. چنین روندهایی قدرت را ناملموس‌تر و اجبار را ناکارتر کرده است؛ چرا که کارایی هر منبع قدرت، در درجه اول به زمینه اعمال آن بستگی دارد.

۳.۱.۲ قدرت نرم؛ مفهوم قدرت نرم، در تقابل با مفهوم قدرت سخت قرار می‌گیرد. در میان اندیشمندان حوزه قدرت و امنیت ملی، جوزف نای به عنوان بنیان‌گذار مفهوم قدرت نرم شهرت یافته است. وی قدرت نرم را شیوه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس

¹. Marcus Tullius Cicero

². Titus Lucretius

³. Hard Power

⁴. Semi Hard Power

⁵. Soft Power

دانست (ترابی، ۱۳۸۷: ۳۳). بر این پایه، یک کشور و حاکمیت می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود برسد و کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را بپذیرند و تحت تأثیر پیشرفت و اندیشه آن قرار می‌گیرند و در نتیجه، خواهان پیروی از آن شوند. در این مفهوم، آنچه از اهمیت سزاینده‌ای برخوردار است، تنظیم دستورالعملی برای جذب دیگران است. بنابراین قدرت نرم، به دست آوردن منافع و مقاصد، از رهگذر جذب کردن و نه از طریق اجبار و یا پاداش است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

۳.۱.۳ قدرت نیمه سخت؛ قدرت نیمه سخت، به لحاظ مفهومی در میان دو مفهوم قدرت نرم و سخت قرار دارد. به همین دلیل، این قدرت دارای مؤلفه‌های مشترکی با هر یک از دو قدرت معرفی شده است. قدرت نیمه سخت، مانند قدرت سخت می‌تواند از اعمالی مانند تهدید و ارعاب، اجبار و تشویق کمک بگیرد، اما برخلاف ماهیت قدرت سخت و در همسویی با قدرت نرم، این اعمال را بدون یاری گرفتن از خشونت ممکن می‌داند (مرادی، ۱۳۸۸). این نوع قدرت، اگرچه دارای ماهیتی جداگانه است، اما آشکارا از دو قدرت نرم و سخت تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. از این روی، بر اساس قواعد و ترفندهای منازعه نیمه سخت، فردی را در کشور هدف بر سر کار می‌آورند که با وجود ملیتی یکسان با سایر مردم آن سرزمین، خواسته یا ناخواسته، کشور متبوع خود را در جهت منافع قدرت‌های بیگانه هدایت خواهد کرد. امروزه این مقوله، علاوه بر تسلط سیاسی بر کشورها، در تسلط بر بازارها و شریان‌های اقتصادی کشورهای هدف نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (گروه مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷).

۳.۲ قدرت هوشمند؛ رویکرد سنتی مربوط به تحلیل قدرت، متکی بر عناصر قدرت ملی^۱ است که میزان قدرت کشورها را بر اساس عواملی چون جمعیت، سرزمین^۲، نیروی نظامی و قدرت دریایی قلمداد می‌کند. این تعریف مبتنی بر مکتب واقع‌گرایی^۳ است که بعد وادارانه و عوامل مادی از جمله قدرت نظامی تأکید سفت و سختی دارد (شیخ‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۸). از اواخر سده بیستم میلادی، رویکرد قدرت رابطه‌ای^۴ توانست سازوکارهای سخت‌افزارانه قدرت را به چالش کشد و قدرت را به عنوان نوعی علیت^۵ توضیح دهد. در این رویکرد، رفتار بازیگر «الف»، سبب تغییر در رفتار بازیگر «ب» می‌شود (Baldwin, 2003: 185). این چالش راه را برای عرضه رویکردها و نظرگاه‌های دیگر به مفهوم قدرت و کاربرست آن در رفتار سیاسی-اجتماعی بازگشود. یکی از این نظرگاه‌ها که نگرش ترکیبی و چند معیاری به قدرت دارد، قدرت هوشمند است. ناکارآمدی قدرت سخت و محدودیت‌های قدرت نرم، نظریه پردازان سیاسی را به چاره‌جویی نظری در خصوص اعمال قدرت در فضای پیچیده جهانی شدن واداشت. حاصل این تلاش فکری، تولد پدیده مفهومی به نام قدرت هوشمند بود (کبریائی زاده، ۱۳۹۰: ۱۰). مفهوم

¹ Elements of National Power

² Territory

³ Realism

⁴ Relational Power

⁵ Causality

قدرت هوشمند را اولین بار سوزان ناسل^۱، به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات بکار برد. وی معتقد بود منابع اجباری و اقتاعی شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن، تداوم برتری یک کشور را تضمین کند (Nossel, 2004). به نظر می‌رسد قدرت هوشمند مطرح شده توسط ناسل، برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف دو قدرت سخت و نرم باشد که معتقد به تقویت و هماهنگی تمام قوا برای تداوم و بهبود برتری آمریکا در جهان است. آنچه از سوی ناسل مورد توجه قرار گرفته، جایگزینی سیاست جذب به جای سیاست جبر آمریکا در صحنه بین‌المللی است. به بیان دیگر؛ آمریکا به جای اجبار و تحت فشار قرار دادن کشورهای جهان از طریق خشونت یا حتی عدم خشونت که موجب تضعیف محبوبیت و همچنین حس عدم اعتماد می‌شود، در صدد جذب ملت‌ها با بهره‌گیری از تمام اهرم‌های موجود در زمان مقتضی است. وی، به لزوم بازگشت ایالات متحده به سیاست خارجه قرن ۱۹ خود؛ یعنی لیبرال ناسیونالیسم که طرفدار جهانی بودن جنگ (در لُفاهه) و همچنین گسترش لیبرال دموکراسی در سرتاسر جهان بود، تأکید کرده است. برای هدف‌گذاری درست در استفاده از هر دو قدرت، نیاز به تبیین راهبردی به نام قدرت هوشمند داریم که در راستای راهبرد ملی و بین‌المللی خود از قدرت هوشمند، که تجمعی از هر دو قدرت نرم و سخت است، به خوبی به اهداف و منافع تعریف شده دست یابیم (محمدی، ۱۳۹۲).

قدرت هوشمند، تحولی شهودی در موضوع قدرت است که مخاطبان اصلی آن را دولت‌ها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای حکومتی تشکیل می‌دهند (Wilson, 2008: 111). استراتژی قدرت هوشمند با به‌کارگیری اهداف مشخص، سلطه و هژمونی مورد نظر خود را در درک عامل تغییر در بهره‌گیری از آن برای خود و هم‌پیمانان و متحدان و بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی را بازتعریف می‌کند. جهان با پدیده آگاهی و رشد دانش و دانایی روبروست. نقش انقلاب انفورماتیک در زمانه انفجار اطلاعات توانسته است آگاهی خودبنیادی برای تجلی بلوغ افکار عمومی به همراه داشته باشد. لذا می‌توان مدعی بود که تأثیر و نفوذ قدرت هوشمند و یا قدرت نرم با جنگ‌افزارهای پیشرفته الزاماً به دست نمی‌آید (Mundow, 2012: 10). این جاست که مشروعیت قدرت به توانمندی حرفه‌ای و تأثیرگذاری حداکثری بدون توسل به زور پدیدار می‌گردد. افکار عمومی زمانی می‌تواند شکل بگیرد که قدرت هوشمند در ایجاد منطق آگاهی عمومی مردم در ترسیم اولویت‌ها و درک منافع ملی و سره از ناسره را بتواند بدون کم‌ترین هزینه جا بیندازد. مشروعیت قدرت هوشمند از این خود انگیزی‌ها و خود آگاهی‌ها به دست می‌آید و حتی مشروعیت در مدیریت هزینه‌ها هم کارسازی می‌شود. استراتژی نظامی صرف، نه تنها کارایی ندارد، بلکه در قدرت هوشمند نیز کاربرد نخواهد داشت. اگر وقوع جنگ‌ها را با توجیه قدرت فزاینده نظامی طی دو دهه گذشته به مثابه یک صحنه تئاتر ارزیابی کنیم حتی قدرت سخت به‌رغم برتری نظامی الزاماً نتوانسته به کلیه اهداف خود دسترسی پیدا کند و اهداف صددرصدی خود را تأمین کند و

¹. Suzan Nossle

صحنه این تئاتر، جز نتیجه‌ای تراژیک نبوده است (Gavel, 2012: 6). دیگر نمی‌توان در این مسئله تردید کرد که سازوکار افکار عمومی و شکل‌دهی بدان و مشروعیت‌سازی یک هدف با استراتژی مشخص دغدغه و کارکرد اصلی قدرت هوشمند است. امنیت پدیده جهانی شده‌ای است و در ادبیات جهانی‌سازی به عنوان فرض مسلم تعریف می‌شود. قدرت هوشمند با بازتعریفی روشنگرانه برای درک متقابل مشروعیت امنیت شهروند، امنیت را ضرورت قدرت می‌داند و برای آن مشروعیت بین‌المللی و جهانی قائل است (Etheridge, 2014: 19). قدرت هوشمند در توجیه و مشروعیت استراتژی خود طی یک دهه گذشته جهان با به‌کارگیری جنگ روانی از ماهیت قدرت نرم برای اهداف خود بهره می‌گیرد و به صورت شفاف به ابنا‌ی بشر هشدار می‌دهد که جهان دوران تجربه‌های تلخ و سخت را سپری می‌کند. قدرت هوشمند در راستای سرکوب تروریسم و خشونت سخن از یک دفاع و جنگ مقدس به میان می‌آورد. مشروعیت قدرت هوشمند در این است که می‌خواهد نتیجه عملکرد خود را منطقی و طبیعی توجیه کند و در عین حال، از بررسی پدیده‌ها و علت‌ها با هوشیاری کامل طفره می‌رود. با یک چنین بازتعریفی از تأمین مشروعیت امنیت، قدرت هوشمند به تفهیم استراتژی و اهداف می‌پردازد (Fotoui, 2010: 76). قدرت هوشمند میدان عمل خود را با منافع و ارزش‌های جهانی هماهنگ می‌بیند. رویکرد قدرت هوشمند مستلزم انعطاف در ماهیت تغییر است. البته افزایش کیفی در بالا بردن توان ذهنی کارگزاران و حرفه‌ای عمل کردن آنان، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در این فرآیند بشمار می‌آید و اذهان خلاق و کاوشگر، مهم‌ترین و اساسی‌ترین کانون‌ها در تبیین استراتژی قدرت هوشمند هستند. قدرت هوشمند با اهدافی وسیع‌تر و گام‌های ژرف‌تر به ژرفای ژئوپلیتیک و دامنه نفوذ و تأثیرگذاری جهان پیرامون توجه دارد و می‌کوشد تا کارکرد و استراتژی خود را در راستای تحولات سیاست جهانی بکار اندازد. اگر در قدرت هوشمند به عنوان مطالعه‌ی موردی به نقش سیستم خارجی ایالات متحده بنگریم موانعی را به صورت سنتی در مقابله با قدرت هوشمند و کاربری آن می‌توانیم مشاهده کنیم. پس، قدرت هوشمند پاسخی است به ناکامی‌هایی که در مؤلفه قدرت نرم و قدرت سخت در گذار و گذر زمان تجربه شده است. در تأمین نگاه حداکثری به منافع ملی، قدرت هوشمند با اهدافی وسیع‌تر و گام‌هایی عمیق‌تر به ژرفای استراتژی ارائه شده و دامنه نفوذ و تأثیرگذاری جهان پیرامون خود توجه می‌کند و تلاش می‌کند تا عملکرد و راهبرد خود را با منطقی که قدرت هوشمند می‌پسندد، توجیه کند. آن هنگام که قدرت توان تأثیر و تأثر را داشته باشد و بتواند رفتار دیگران را برحسب امیال و منویات ایدئولوژیک و توانایی‌های خود تغییر دهد، اگرچه با فریب و عملیات روانی، قدرت هوشمند را به مثابه عنصری اعجازگر می‌توان تعبیر کرد. بنابراین، توان ترکیبی قدرت هوشمند از مؤلفه‌های ضروری امروز سیاست نوین جهانی محسوب می‌شود. این توان ترکیبی در امتزاج و آمیختگی قدرت نرم و سخت به دست می‌آید. از این روی، طرح مفهوم قدرت هوشمند را باید پاسخی به تهدیدها، مخاطرات و محدودیت‌هایی دانست که در کاربرد قدرت ایجاد می‌شود. می‌توان قدرت هوشمند را به عنوان شکل تکامل یافته‌ی مؤلفه‌ها و موضوعات قدرت سیاسی و استراتژیک در نظر گرفت. از جمله می‌توان به پشتیبانی افکار عمومی و توده‌های مردم، بازخورد هويت، برجستگی عناصر

فرهنگی، اندیشه حکمرانی موفق، هنجارها و ارزش‌های جمعی، مشارکت و همگرایی، نیروی انسانی، کارایی نیروهای نظامی، اقتصاد پویا و پیشرو و مواردی از این دست اشاره کرد (Nye, 2009: 5-6). جدول زیر مؤلفه‌ها و ابزارهای سه نوع قدرت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱) مؤلفه‌ها و ابزارهای سه نوع قدرت

نوع قدرت	مؤلفه‌ها	مهارت‌ها	ابزارها	چالش‌ها
سخت	اجبار، تهدید، ترس، طمع	ظرفیت سازمانی، مهارت سیاسی	عملیات نظامی، کنش‌های دیپلماتیک، عملیات روانی / اطلاعاتی	بروز تنفر
نرم	ارزش‌های مشترک، منافع مشترک، جایگاه گروهی الگو پردازی	ایجاد چشم‌انداز جالب و قابل قبول، ایجاد ارتباط مؤثر، هوش هیجانی، مهارت‌های سازمانی	دیپلماسی عمومی، فرهنگی / ارتباطی، تصویرسازی ملی	احساس فریب خوردن و بی‌اعتباری و بی‌آبرویی اعمال کننده قدرت
هوشمند	هوشیاری محیطی، مسیریابی، سرعت و واکنش، انعطاف پذیری، تناسب با اهداف و سرمایه‌های قدرت ترکیب مناسب یادگیری- رشد	مهارت‌های ساختاری	ابزارهای نرم و سخت با ماهیت هوشمندانه، ابزارهای حساس در مقابل تغییر	نبود یک یا چند مورد از مؤلفه‌ها، استفاده از قدرت هوشمند برای اهداف استراتژیک

(آشنا و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۳۲).

بنابراین و با توجه به شاخص‌های قدرت هوشمند، به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی ایران به دلیل

برخورداری از یک رشته ویژگی‌های طبیعی ژئوپلیتیک از یکسو و مؤلفه‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت هوشمند و سیاست از سوی دیگر، به عنوان مهم‌ترین شاخص اثرگذار بر افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران است.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

انقلاب اسلامی و قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران

۴.۱. هنجار فعال اسلامی

هنجار و فرهنگ اسلامی که برآمده از تمدن اسلام و نقش فعالانه و ساختار ساز ایرانیان در آن است، نوعی بینش و جهان بینی است که بار ارزشی و معنوی ایران را افزایش داده است (کبریائی زاده، ۱۳۹۰: ۹). به دلیل مشارکت فعالانه و گفتمانی ایرانیان در آئین اسلام، مبانی و ارزش‌های این دین به یکی از چارچوب‌ها و بنیادهای زیستی ایرانیان تبدیل شد. از آنجا که داشتن بسترها و زمینه‌های فرهنگی و هنجاری نیرومند یکی از مؤلفه‌های مهم در قدرت هوشمند است، می‌توان گفت که فرهنگ اسلامی فعال و گفتمان ساز در ایران، یکی از بسترهای مهم برای یکپارچگی و هویت مستحکم در ایران محسوب می‌شود. از همین رو، ایرانیان در برهه‌های حساس و شکننده تاریخی خود با بازگشت به هویت و هنجار اسلامی خود، تلاش مضاعفی را برای همبسته و استوار نگاه داشتن پیکره‌ی سرزمینی خود بروز می‌دهند.

۴.۲. ظرفیت ژئوپلیتیکی

ایران از نظر موقعیت جغرافیایی در محلی واقع شده که سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم وصل می‌کند. و از دیرباز محل ارتباط شرق و غرب بوده است. گراهام فولر می‌گوید: ایران به علت وضعیت خاص جغرافیایی مرکز جهان است (فولر، ۱۳۷۱: ۵۲). با وجود این که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی گفته شد موقعیت ژئوپلیتیکی ایران کم رنگ شده، اما بعد از حوادث یازده سپتامبر بار دیگر اهمیت خود را بازیافت و موقعیت ایران در اوراسیا اهمیت ژئوپلیتیکی آن را افزایش داده است. از سوی دیگر ایران از نظر جغرافیایی در منطقه‌ای واقع شده که دو موقعیت انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر (بیضی انرژی) را به هم وصل می‌کند و این خود اهمیت ایران را از نظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بسیار مهم نموده است. بنابراین، در صورت استفاده بهینه از فرصت‌های موجود و درک منطقه و روابط بین‌الملل می‌تواند ظرفیت بسیار مناسبی در قالب قدرت هوشمند برای جمهوری اسلامی ایران باشد.

۴.۲ ظرفیت نیروی انسانی بالقوه

برخی از نظریه پردازان توسعه اقتصادی، رشد جمعیت را موتور توسعه نامیده‌اند. ایران از جمله کشورهای است که در دو دهه گذشته رشد جمعیت بالایی داشته است. رشد جمعیت در ایران می‌تواند در صورت استفاده بهینه عاملی باشد برای آبادی کشور، به زیر کشت بردن زمین‌ها، گسترش مراتع و جنگل‌ها، مهار آب‌ها، پس راندن کویرها، بهره‌برداری از منابع معدنی، ایجاد صنایع سنگین و کلیدی، گسترش آموزش علوم و فنون و در نهایت توسعه اقتصادی و از نظر نظامی موجب تشکیل یک ارتش بیست میلیونی (بر اساس رهنمودهای امام (ره)) گردد.

ایران به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، از مزیت‌های اقتصادی خاصی در سطح منطقه و جهان برخوردار است. این مهم وقتی اهمیت دو چندان می‌یابد که زیر ساخت‌های ارتباطی قدرتمند ایران در حوزه راه‌ها، راه‌آهن و به‌ویژه راه‌آهن شمال به جنوب که می‌تواند کشورهای آسیای مرکزی را به خلیج فارس و شرق را به غرب متصل کند و ظرفیت ارتباطی پر اهمیتی برای همسایگان غربی و شرقی ایجاد نماید را به آن بیفزاییم (بیگی، ۱۳۸۹: ۱۹۴). ایران از جهت تولید ناخالص داخلی در منطقه اول است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ارزش تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۵ بر اساس شاخص قدرت خرید برابر ۵۵۴ میلیارد و ۷۴۴ میلیون دلار بوده است. که از این لحاظ، ایران در رتبه ۲۲ جهان بین ۱۸۰ کشور است. که در سال ۲۰۰۶ یک رتبه صعود داشت و در سال ۲۰۰۷ به رتبه بیستم ارتقا یافت. از نظر میزان درآمد سرانه با ۷۷۰۰ دلار در سال رتبه هشتم را دارا است. اما از نظر رشد واقعی اقتصاد، ایران دارنده رتبه نهم خاورمیانه است. با این وجود، مؤسسه آمریکایی گلدمن ساچس معتقد است: ایران از ظرفیت‌های اقتصادی بالایی برخوردار است و در صورتی که بتواند آن‌ها را به فعلیت درآورد تا سال ۲۰۵۰ بزرگ‌ترین اقتصاد در بین کشورهای در حال توسعه خواهد بود (بیگی، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۱۹۴).

۴.۴ ظرفیت سیاسی

حمایت سیاسی در گفتمان قدرت هوشمند شرط اساسی برای موفقیت در طراحی و اجرای آن است. از این رو، تبدیل قدرت هوشمند به گفتمان اصلی در عرصه سیاست خارجی، ضروری است. شکل‌گیری انقلاب ایران بر مبنای ارزش‌های ایرانی و اسلامی موج جدید بیداری اسلامی را با محتوای جدید و اثرگذار در عرصه حکومت داری ایجاد نمود. هر چند «بیداری اسلامی» در باور بسیاری از متفکران کشورهای اسلامی از جمله سید جمال وجود داشت، اما نهادینه شدن بیداری اسلامی و شکل‌گیری کلیه ارکان حکومت‌داری بر مبنای شریعت فقط در ایران به وجود آمد که در انقلاب اسلامی ایران تجلی یافت. انقلاب اسلامی ایران، جلوه‌گاهی از قدرت معنوی بود که در برابر قدرت‌های سخت آن زمان، شامل ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی ایستاد و یک نوع قطب سوم معنویت و فرهنگ غیرمادی را در شکل‌گیری حکومت به کار بست. وانگهی معنویت‌گرایی انقلاب اسلامی با ماده در تضاد نیست و

نوعی نگاه تکمیلی و اعتدالی به ماده و معنا دارد. گفتمان معنویت انقلاب اسلامی نه نافی ثروت و مکنت است و نه بر ریاضت و سختی تأکید دارد. گفتمان ژئوپلیتیک انقلاب اسلامی بر آموزه‌های دین اسلام و مذهب شیعه استوار است که وجود مادیات را برای گذار به مراحل بالای معنا، لازم می‌داند (متمنی و قره‌بیگی، ۱۳۹۳: ۱۳۸). ترکیب معنویت و ماده در مکتب شیعی انقلاب اسلامی، ظرفیت سیاسی ایران را برای شکل‌دهی به یک حکومت از نوع قدرت هوشمند افزایش داد. تحولات جهان اسلام در قرن حاضر نیز نشان می‌دهد که اراده سیاسی کشورهای اسلامی نوعی الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران است و ظرفیت هوشمند این انقلاب، ساختارهای لازم برای تحقق بیداری اسلامی را مهیا کرده است. یکی از این ساختارها، مشی حکومتی «مردم‌سالاری دینی» است. مردم‌سالاری دینی، در آمیختن دموکراسی با ظرفیت‌های معنوی اسلام است. به سخن دیگر، مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب جنبه‌های سخت (مادی) دموکراسی با ابعاد نرم (معنوی) دینی به شمار می‌رود (ریعی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

۴.۵ ظرفیت و توان علمی

یکی از راه‌های به دست آوردن جاذبه برای یک جامعه داشتن تبحر در علوم و فنون جدید است. امروزه علم و دانش تولید قدرت می‌کند. در جهان کنونی توسعه هر کشور رابطه تنگاتنگی با تولید علم دارد و اگر مصادیق مختلف را در اعصار گذشته تا کنون بررسی نماییم، متوجه می‌شویم که کشورها و جوامعی که در زمان خود به نسبت دیگر جوامع توسعه یافته بودند در آن توجه به علم و دانش و فنون به مراتب بیشتر بوده است. دولت‌های گذشته تاریخ آرمان حکومت را تنها در چیرگی بر غول اقتصاد و نیز دستیابی به صلح و آرامش حاصل از نگرهبانی مرزها می‌دانستند، اما امروزه برداشت حاکمان از چنین سطح نازلی ترقی یافته و به حد والایی از ادراک اجتماعی ارتقا یافته است (جعفر زاده، ۱۳۸۵: ۱۷). رسالت دولت‌های مدرن در عصر حاضر تفاوت جوهری با دولت‌های گذشته دارد. سردمداران حکومت‌های امروز به دلیل بروز پیچیدگی‌های فراوان در بخش‌های گوناگون اجتماع و به خاطر در هم آمیختگی ارتباط فراوان میان عناصر و موضوعات پراکنده اجتماعی نمی‌توانند تنها به توسعه اقتصادی بپردازند، بلکه باید توسعه تمامی بخش‌های مختلف جامعه اعم از سیاست، فرهنگ و اقتصاد را مد نظر داشته باشند (جعفر زاده، ۱۳۸۵: ۱۸ - ۱۷). علم و دانش به شیوه‌های مختلف می‌تواند به افزایش قدرت نرم کشور کمک نماید. اقتصاد از جمله حوزه‌هایی است که این تغییر به سرعت در آن قابل مشاهده است. تأثیر ثانوی علم و دانش بر قدرت در حوزه فرهنگ یک جامعه است. چرا که فرهنگ یک جامعه می‌تواند زیربنای تحرکات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و نهایتاً پویایی یک جامعه باشد. ایران از کشورهایی است که در خصوص قدرت نرم پتانسیل‌های بالقوه‌ای در اختیار دارد؛ به عنوان مثال ایران با داشتن سابقه تمدن و پیشینه تاریخی کهن، داشتن زبان و ادبیات فارسی، وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ که دارای رویکردی انقلابی و اسلامی بود، داشتن جایگاه ویژه در ائتلاف‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و همچنین با بکارگیری ابزارهای

دیپلماسی عمومی در بین افکار عمومی منطقه می‌تواند از قدرت نرم ویژه‌ای برخوردار گردد. در اسناد مدون شده چشم‌انداز و قانون برنامه پنجم توسعه، ایران باید در پایان برنامه پنجم جایگاه دوم و در پایان چشم‌انداز جایگاه و رتبه اول منطقه را به دست آورد، لذا برای رسیدن به این اهداف باید از هیچ تلاشی دریغ نوزید. ایجاد و تولید قدرت نرم از راه دانش یکی از راههای رسیدن به این اهداف است. بر اساس آمار موجود ایران در سال ۲۰۰۰ با ۱ هزار ۳۸۷ مدرک، در سال ۲۰۰۹ با ۱۶ هزار و ۹۷۸ مدرک، در سال ۲۰۱۰ با ۱۸ هزار و ۳۱۹ مدرک به صورت تصاعدی تولیدات علمی خود را در جهان افزایش داده است. در آمار سال ۲۰۱۰ ایران پس از ترکیه در ردیف دوم قرار گرفته است. ترکیه با ۲۵ هزار و ۷۱۰ مدرک در جایگاه اول کشورهای اسلامی و ایران با ۱۸ هزار و ۳۱۹ مدرک در جایگاه دوم، مالزی با ۶ هزار ۲۸۷ مدرک در جایگاه سوم، مصر با ۶ هزار ۹۰ مدرک در جایگاه چهارم و عربستان سعودی با ۳ هزار و ۶۶۹ مدرک در جایگاه پنجم کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۰ ایستاده است. بر اساس آمار موجود در سال ۲۰۱۱ ایران با ۳۴۰۵۹ مدرک توانسته برای نخستین بار از کشور ترکیه پیشی بگیرد و به رتبه ۱۷ تولید علم در جهان نائل شود (هرسیج و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۶-۲۲۷).

۴.۶ تکیه بر حمایت و پشتیبانی توده‌های مردمی

توده‌های مردم ایران به طرق مختلف قدرت خود را در صحنه مبارزه با دشمن متجلی ساخته‌اند، حضور در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، مشارکت در عرصه انتخابات، حضور داوطلبانه و سیل آسا در نبرد حق علیه باطل، بسیج نیروهای عظیم مردمی در حوادث و اتفاقات در سوانح طبیعی و مراقبت از توطئه‌های هوشمند دشمن در ایجاد تفرقه و نفوذ در بدنه اجتماع برای ضربه زدن به نظام حاکم از مواردی است که ملت با حضور به موقع در صحنه قدرت خود را به منصف ظهور رسانیده است (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

۴.۷ رهبری معنوی

در جمهوری اسلامی ایران، رهبری تحت عنوان ولایت فقیه به عنوان یک نهاد مذهبی - سیاسی از تمام عناصر لازم برای ارائه یک رهبری قدرتمند و کارآمد و با استمرار برخوردار است. زیرا که شیوه انتخاب انتخاب رهبر چه توسط مردم و چه توسط خبرگان هم مقبولیت و هم مشروعیت و هم برخوردار از مدیریت و هم مدیریت قدرتمند تلقی می‌گردد. رهبر آگاه به اوضاع سیاسی، اجتماعی زمان خود، در عین حال عادل و دور از هوای نفس و این باور که امت اطاعت از او را همچون اطاعت از خدا و رسول خدا می‌دانند و بدون چون و چرا تبعیت از او را وظیفه شرعی و دینی خود دانسته و لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند. چنین امری موجب بروز قدرتی می‌گردد که به دوستان اطمینان خاطر داده و دشمنان را نگران و مرعوب می‌نماید (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

۴.۸ قدمت و اصالت ارزشی-هنجاری

فرهنگ ایرانی نزدیک به سه هزار سال قدمت دارد و طی این دوران دراز پیوستگی خود را از دست نداده و نوعی خود آگاهی فرهنگی و هویتی در ذهن و ضمیر ایرانیان وجود داشته است. آنچه باعث ضمانت هر چه بیشتر این پیوستگی به رغم تحولات گوناگون داخلی و بین‌المللی در طول سه هزار سال گردیده اعتقادات دینی و یکتاپرستی ایرانیان بوده است (کبریائی زاده، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴). علاوه بر این در عصر پسامدرنیسم دین و معنویت جایگاه از دست رفته خود را دوباره دارد به دست می آورد و بار دیگر ارزش‌های دینی و معنوی از تأثیرگذاری عمده‌ای در مناسبات و روابط بین‌الملل و تصمیمات جهانی و منطقه‌ای برخوردار است. در این راستا، آنتونی گیدنز معتقد است: در گذشته مارکس، وبر و دورکیم فرآیند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون می‌دیدند. ولی در آغاز دهه ۸۰ و با پیروزی انقلاب اسلامی شاهد معکوس شدن این فرآیند هستیم، یعنی فرآیند عمومی جهان به سمت دین‌داری پیش می‌رود (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۵). صحت این گفته گیدنز را در موج اخیر بیداری اسلامی در منطقه و بیداری انسانی در جهان در می‌یابیم. در چنین شرایطی، معنویت محوری فرهنگ ایرانی اهمیت دو چندان یافته و نقش مهم‌تری در ایجاد قدرت هوشمند می‌یابد. این ارزش و هنجار را در چارچوب انقلاب اسلامی می‌توان به دو فرهنگ شهادت و ایثار تعبیر کرد. شهادت یعنی از شیرین‌ترین، عزیزترین و گران‌قیمت‌ترین دارایی خود، یعنی روح و جان، به خاطر عشق به میهن، ناموس و رضایت پروردگار گذشتن؛ به عبارت دیگر، شهادت، یعنی فنا شدن، نه به مفهوم معدوم شدن، بلکه به معنای محو شدن در وجود الهی. شهادت وصل است به ملکوت اعلیٰ، و شهید محرم به احرام عشق الهی. گذشت زمان و تغییر و تحول و آمد و شد نسل‌ها، هرگز به جاودانگی این فرهنگ انسان‌ساز لطمه‌ای وارد نمی‌آورد و عاشقان راه حق و آزادگان جهان، همواره این مشعل هدایت را فرا راه خویش می‌یابند و در پناه آن پرده‌های سیاه شب جور را می‌درند و فروغ آزادی و شرف و عزت را ظاهر می‌سازند (پور پویان، ۱۳۸۷: ۲۶۲-۲۶۱). در اسلام، شهادت گزینش مرگ سرخ همراه با شناخت و آگاهی، و بر مبنای آزادی و اختیار در مبارزه علیه موانع تکامل و انحرافات فکری است که مجاهد با منطق، شعور و بیداری آن را انتخاب می‌کند (اصغری، ۱۳۸۸: ۷۳). انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای بود که کارآمدی فرهنگ شهادت را به خوبی به نمایش گذاشت. این انقلاب برای دستیابی به اهداف خود، هیچ یک از ابزارهای ظاهری موفقیت، اعم از قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی و حمایت جهانی را در اختیار نداشت و تنها اسلحه پیشرفته و برنده آن، شهادت طلبی بود (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۳۳-۲۳۲). ایثار به مثابه یک هنجار توسط اسلام توصیه شده است که بسیاری مکاتب از آن بی‌بهره‌اند. معنای این هنجار این است که فرد علی‌رغم اینکه رفتار مثبتی از طرف مقابل نمی‌بیند، به ارتباط مثبت با او روی آورد. این رفتار توسط مؤمنان خاص صورت می‌گیرد (کبریائی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶). آن‌ها با اینکه از طرف مقابل، رفتار اعتماد آمیزی نمی‌بینند، با بخشش و گذشت با دیگران رفتار می‌کنند. این افراد در مقابل کارهای خیر خود، انتظار هیچ پاداشی از سوی مردم را ندارند و با برقراری این رابطه،

سرمایه اجتماعی را در جامعه اسلامی حفظ می‌کنند. اسلام می‌کوشد چنین روحیه‌ای را در جامعه اسلامی رواج دهد و از پیروان خود می‌خواهد، بدون توجه به اینکه طرف مقابل آن‌ها چه رفتاری دارد، از خود ایثار به خرج دهند و برای این عمل اجر عظیمی در نظر گرفته شده است. این افراد در ادبیات قرآنی «ابرار» نامیده می‌شوند (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۹۹-۱۹۸). از طرف دیگر، ایثار موجب خودسازی و تکامل شخصیت این افراد می‌گردد و عامل مهمی در پرورش روح و انسانیت آن‌ها به شمار می‌آید.

۴.۹ مزیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک

همان‌گونه که برژینسکی نیز بارها اشاره کرده است، ایران دارای برخی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی است که می‌تواند به عنوان فاکتور مؤثری در تعیین سرنوشت کشمکش میان نیروها در خاورمیانه و حتی جهان عمل کند (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۳۵). از طرفی با توجه به تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی ایران در کانون منطقه‌ای قرار دارد و در تولید و انتقال نفت و گاز نقشی حیاتی ایفا می‌کند. خلیج فارس ۶۱ درصد نفت و ۴۰ درصد گاز جهان را در خود دارد. چنانچه ذخایر دریای خزر نیز بدان اضافه گردد، آنگاه بیش از ۷۰ درصد نفت و ۴۰ درصد گاز جهان در این منطقه قرار دارد. بدین ترتیب ایران در مرکز ثقل بیضی استراتژیک انرژی خلیج فارس و دریای خزر شکل می‌گیرد (Kemp & Harkavy, 2004: 178).

۴.۱۰ مهدویت و هویت غایی

اعتقاد به وجود امام زمان (عج)، ظهور آن حضرت و تأسیس حکومت عدل و حق، از بدیهی‌ترین اصول اعتقادی شیعه دوازده امامی است که اصل موضوعیت آن، فصل مشترک همه مسلمانان در سرتاسر جهان است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۲۵). داشتن چنین اعتقادی، باعث شده است که شیعیان همواره برای زمینه‌سازی ظهور تلاش کرده و در سختی‌ها و نابسامانی‌ها شکیبایی نمایند. این امید به روشنی در کلام حضرت امام (ره) متبلور است؛ «اسلام ابر قدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد» (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۲). انقلاب اسلامی ایران و ظهور حضرت مهدی (عج) به تعبیر شهید مطهری (۱۳۸۸)، حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. قیام حضرت، آخرین حلقه از مجموعه حلقه‌های مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده و حضرت مهدی موعود (عج) تحقق بخش واقعی اهداف همه انبیا، اولیا و مردان مبارزه در راه حق است. این شور، شوق، عشق و امید به آینده، نیروی عظیمی را برای دستیابی به اهداف ایجاد می‌کند. جبهه ایمان با این سرمایه معنوی و با تلاش فراوان، همراه با صبر و بصیرت به سمت فتح این قلعه‌ها و دستیابی به آن آرمان‌ها در حال حرکت است. حتی اگر آثار معتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای

آن سرمایه خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و عارضی مذهب بوده و شوکت، اقتدار و قوت حکومت خود را در عالم نگاه خواهد داشت (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۲۶-۲۲۵). همه ابعاد وجود امام لطف است و رهبری باطنی را بر عهده دارد. وجود امام و رهبری معصوم دینی و اجتماعی، اگرچه در پس پرده غیب باشد، برای سازماندهی اجتماعی جامعه مؤمنان منبع بی‌پایان انرژی، تحرک و استقامت است. انتظار فرج و وجود امام غایب، به منزله یک نیروی بازدارنده بسیار نیرومند است که می‌تواند تا اندازه بسیار زیادی از ارتکاب جرائم جلوگیری کند (کریمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۱-۲۲۰). بنابراین، انقلاب اسلامی ایران انقلابی با ماهیت و خاستگاه فرهنگی است و ریشه در اندیشه‌ها، باورها، آداب و تعلقات چند صدساله مذهب شیعه در این مرز و بوم دارد. همین ویژگی‌ها سبب شده است تا جمهوری اسلامی ایران از هویت غایتی برخوردار گردد. هویت غایتی از جمله تقسیمات کلی هویت است و در برگرفته چرایی و روند نمایی یک حرکت جمعی، حالت مطلوب آرمانی و نهایت و پایان یک جنبش اجتماعی است. هویت غایتی سبب می‌شود تا افراد یک جامعه حرکت برآمده از هویت تأسیسی و امتداد یافته به واسطه هویت تداومی را به یک سمت و سوی مشخص ادامه دهند و در برآیند هویت تأسیسی، تداومی و غایتی به یک حرکت نظام یافته اجتماعی تا حد دستیابی به افق مطلوب بپردازند (کوشکی، ۱۳۸۷: ۱۶). انقلاب اسلامی به منزله یک حرکت معنادار جمعی، هویت غایتی خود را در فضای مفهوم کلی انتظار مهدوی سامان بخشید؛ به گونه‌ای که در حقیقت مقوله انتظار مهدوی، منبع تغذیه و صورت‌بندی هویت غایتی انقلاب اسلامی قرار گرفته است.

۵. قدرت هوشمند انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

۱.۵ بازتولید و بازکاوی منابع هوشمند قدرت

انقلاب اسلامی ایران نشان داد که قدرت دارای خاستگاه‌های بس ژرف‌تری از قدرت سخت و نرم است. این خاستگاه، یک جریان سیال، پویا و برآمده از روح جمعی ملت است و به قدرت هوشمند بسیار نزدیک می‌شود. از این روی، می‌توان عمده‌ترین ریشه‌های تراوش قدرت در عرصه جنبش اسلامی انقلاب ایران را مؤلفه‌های فرهنگی- هویتی دانست (خوشروزاده، ۱۳۸۸). در عرصه کنش انقلابی ملت ایران، از هر هویت و نشانه نوشتاری و گفتار و نیز رفتاری و روانشناختی انقلابیون و حتی علائم و پدیده‌های طبیعی نیز شکلی از قدرت جوشید؛ «فریادهای نیمه شب، قلم‌های شکسته، صداهای درگلو مانده، شعارهای بر دیوار نقش بسته، پوسته‌هایی به رنگ خون آغشته، عزاداری‌های مذهبی مردمی، عاشورا، محرم و حتی مردگان زلزله طبع؛ همه و همه نماد و چهره‌ای دیگر از قدرت بود که همه چیز را در پای خود ذوب می‌کردند. قدرتی که پخش بود نه متمرکز، قدرتی که در مکان و زمان، منزل و مأوایی برای خود نساخته بودند و بر سخت‌افزارهای نظامی، از سر بی‌اعتنایی می‌نگریست» (تاجیک، ۱۳۷۶: ۲۸). از همین روی و در

تعبیر فوکو، حتی قبرستان مردگان و شهدا هم در صف انقلابیون قرار گرفته و منشأ تولید قدرت می‌شوند. وی بر آن است که «در بهشت زهرا که مردگان در دل خاک زیر قشر نازکی از سیمان خفته بودند و خانواده و دوستان کشته شدگان و مردم دیگر، هزار هزار می‌گریستند و دست‌ها را به سوی آسمان بلند نموده و دعا می‌کردند، از اوایل بعدازظهر برگرد عبا‌های سیاه و خاکستری مלאها، بحث شروع شده و با چه حدتی، شاه باید سرنگون شود... آمریکا را باید بیرون کرد... تا پاسی از شب گذشته ادامه پیدا می‌کرد، برگرد روحانیون، به این شکل گروه‌هایی ساخته می‌شد، از هم می‌گسست و از نو گروه‌هایی دیگر تشکیل می‌گردید، تب سیاست مردگان را از یاد نبرده بود، بلکه خود مراسمی بود در خور این مردگان» (Foucault, 1978.: 1).

۲.۵ بُرد هژمونیک

دو قطب جهانی در هنگامه انقلاب اسلامی به رهبری آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به عنوان دو نیروی ژئوپلیتیکی آن زمان شناخته می‌شدند و مبادلات و معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با باز برد به یکی از این دو نیروی متخاصم، تعیین می‌شد. هر دو قطب شرق و غرب، بر ماده‌گرایی تأکید داشتند. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک پدیده یگانه در نظام ژئوپلیتیکی زمانه خود، نگاه جهانیان را به جای رفتار مادی، متوجه ساختارهای هنجاری شکل‌دهنده به روندهای معناگرا ساخت. می‌توان اذعان کرد که گفتمان ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی، دارای هستی‌شناسی ضد استعماری است که با رویکردی انتقادی، رویکردهای امپریالیسم-کمونیسم را به دلیل کم توجهی به عنصر معنویت، دچار نقصان می‌دید (حسینی، ۱۳۷۵: ۶۹). در واقع، انقلاب اسلامی ایران یک نیروی ژئوپلیتیکی عملاً متفاوت با گفتمان‌های خاص خود بود. نخستین وجه تمایز گفتمان ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی، اصالت معنایی آن بود. ادبیات انقلاب اسلامی ایران در زمانه خود بی‌مانند بود؛ چرا که در گفتمان قطب شرق، مناسبات تولید و ماتریالیسم به عنوان مبنا شناخته می‌شد و گفتمان ژئوپلیتیکی غرب نیز بر مدار سرمایه‌سالاری و ثروت هنگفت می‌چرخید. گفتمان انقلاب اسلامی وارد کردن یک جهان‌بینی متمایز به دوآلیسم کاپیتالیسم-سوسیالیسم و رویه مشترک هر دو، یعنی استعمارگرایی بود. برجسته شدن معنا در تفسیر روح جمعی و جنبش همگانی و نیز مبتنی بر دین، سبب شد تا ارزش، انگاره، هویت، فرهنگ، روح جمعی و معنا به عنوان اساس شکل‌گیری یک ملت و آرمان آن قرار گیرد (درزی کلایی و آقاحسینی، ۱۳۹۰) و به مثابه یک روش در کردار داخلی و خارجی، مختصات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را در نظام ژئوپلیتیکی تعریف کند. بنابراین، انقلاب اسلامی نوعی تعریف جدید از هویت بود و بر ارزش‌ها، انگاره‌ها و هنجارها در چارچوب فرهنگ دینی اهمیت می‌داد و اعتقاد داشت که آنچه روح جمعی یک ملت را برمی‌سازد، نه تنها قواعد مادی و سرمایه‌داری است، بلکه از آن مهم‌تر، اتکای یک ملت بر ارزش‌ها و هویت دینی خود است.

۳.۵ بازساخت تمدن اسلامی

انقلاب اسلامی با گفتمان ژئوپلیتیکی نفی هژمونی هویت‌های پیشین در قالب غرب‌گرایی، ایران‌شهری، شبه مدرنیزاسیون، سوسیالیسم، کمونیسم و با ایجاد هویتی «معناساز» و «معنابخش» در صدد برآمد با بهره‌گیری از فرهنگ سیاسی اسلامی - شیعی به ترسیم زوایا و ابعاد بودن در این جهان پردازد. الگویی که با ارائه درکی نو اما ریشه‌دار از مذهب شیعه و با بهره‌گیری از نظام معنایی و اندیشگی بدیع توانست بر بحران هویت پیش از انقلاب غلبه کند و طی یک فرآیند تاریخی به صورت الگوی غالب فعالیت سیاسی جلوه نموده و هویتی نوین و متمایز را بر پایه بنیان‌های ارزشی و آموزه‌های دینی شکل دهد؛ یعنی با وجود تنوعات هویتی موجود در جامعه پیشا انقلابی ایران و ورود جریان‌های فکری ایدئولوژیک بیگانه، ژئوپلیتیک اسلام شیعی توانست به عنوان «دال متعالی معنابخش» به مرجع یگانه وضع هویت غالب مبدل گردد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۴). انقلاب اسلامی ایران با اعطای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان و بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن ارتباطی برای انتقال پیام نواندیشی دینی در جهان اسلام توانست رویکرد تمدنی خود را به منصف ظهور رساند. همچنین از رهگذر احیای ارزش‌هایی چون عدالت محوری و عدالت‌گستری، توسعه و تعالی همه‌جانبه و درون‌زا، توسعه عدالت محور، کرامت انسانی و آزادی‌های مشروع، صلح‌طلبی، عزت‌نفس، استقلال‌گرایی، توسعه اخلاق و دین‌مداری، هنجار سازی، شکوفایی حس خداجویی، حقیقت‌طلبی، علم دوستی و نوع‌دوستی و تحکیم مبانی مردم‌سالاری دینی و بسط و گسترش آن، موجبات شکوفایی و بالندگی مجدد تمدن اسلامی را در راستای تمدن سازی نوین فراهم آورد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی توانست بلوک ایدئولوژیکی واحدی را تشکیل دهد که غرب را وادار به دست کشیدن از ادعای جهان‌شمولی خود سازد (انعامی علمداری، ۱۳۸۷: ۶۶). افزون بر این، انقلاب اسلامی تقویت بنیادهای تمدن اسلامی را از رهگذر اهتمام به چهار سطح تحلیل در این تمدن مدنظر قرار داد: نخست در سطح تحلیل فردی، رفتار مسالمت‌آمیز و نیکوی هر فرد با دیگران بر اساس راستگویی، رأفت، وفاداری، احسان و اخلاق شایسته را ارج نهاد. دوم در سطح تحلیل اجتماعی بر تعامل جوامع مسلمان بر اساس همکاری فرهنگی و بازرگانی و تحکیم روابط دوستی و مودت و اخوت تأکید نمود. سوم در سطح تحلیل سیاسی بر ضرورت تعامل دولت‌ها با ملت‌ها و اهتمام رهبران سیاسی به خواسته‌های ملت‌های مسلمان پای فشرده و چهارم در سطح تحلیل فرهنگی بر تبادل اندیشه‌ای میان تمدن اسلامی و سایر تمدن‌ها تأکید ورزید (ملائی، ۱۳۸۷: ۱۳).

۴.۵ قدرت منطقه‌ای هوشمند ایران

انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ترویج فرهنگ و تفکر استقلالی در جهان اسلام توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال اندیشه‌ای را برای مسلمانان به ارمغان آورد و با از بین بردن خودباختگی در حوزه فکر و اندیشه به بازسازی تمدن اسلامی مبادرت کند. بدین ترتیب که کشورهای اسلامی در عین

اهتمام به ایجاد هویت مستقل به تقویت توان تعاملی و تبادلی جهان اسلام مبادرت ورزند و ضمن تکیه بر ارزش‌های بومی و معنوی، دگرگونی سازنده در بینش و نگرش مسلمانان، تکیه بر فرهنگ خودی و باورهای دینی و عقیدتی، به استقلال تفکر نخبگان فکری و فرهنگی و اندیشه‌ای و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی برای افزایش آگاهی و شناخت و معرفت عمومی اهتمام نمایند تا نخبگان علمی و مذهبی بتوانند رویکرد مستقل، مبتکر، خلاق و مسئولیت‌پذیر خود را به منصفه ظهور رسانند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۶).

افزون بر این، انقلاب اسلامی با تشویق بهره‌گیری از فنون جدید ارتباطی و منابع نوین اطلاعاتی و رسانه‌ای، توانست به بازسازی تمدن اسلامی بر اساس تبیین اصول دینی و ارزشی و تقویت فضای عمومی یا جامعه مدنی اسلامی و ارتقای آگاهی‌های دینی و سیاسی جهان اسلام مبادرت ورزد و با تقویت مبانی حوزه استدلال و تولید فکر و اندیشه، تشویق رابطه متقابل و همه‌جانبه جوامع مسلمان با یکدیگر مشوق اصلی بازسازی تمدن اسلامی بر اساس مفهوم‌سازی و هنجارسازی و با تکیه بر ظرفیت‌های خودی و درونی و استفاده از الگوهای دینی و بومی جوامع مسلمان قلمداد گردد. موفقیت ایران در محیط پیرامونی خود از جمله در پایبندی به آرمان راستین فلسطین و دشمنی سنجیده، منطقی و ارزشی با رژیم صهیونیستی نیز برآمده از قدرت معنویت و ترکیب آن با قدرت سخت‌افزاری است. این ترکیب که نشان از مؤلفه‌های قدرت هوشمند در ایران است، با انقلاب اسلامی تبلور یافت و در هشت سال دفاع مقدس خود را پرورش داد. جنگ هشت ساله ایران با رژیم بعث عراق، نشان داد که تک بعدی بودن قدرت نمی‌تواند عنصری توان بخش و کافی در عرصه جهانی باشد. چنانکه رژیم بعث عراق با تأکید صرف بر قدرت سخت‌افزاری خود، نتوانست موجودیت خود را استحکام بخشد. ترکیب موزون و هوشمند قدرت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در ایران، پایگاه‌های عقیدتی کشور را در کشورهای منطقه افزایش داده است. توان بازیگری ایران در عراق و کارگزار هوشمند آن در لبنان (حزب‌الله) نشان از آن دارد که نفوذ منطقه‌ای ایران برآمده از یک ترکیب قدرتمند است و می‌تواند به صورت توأم، به اقناع فکری و عملی ملت‌های مسلمان پردازد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران نشان داد که قدرت دارای خاستگاه‌های بس ژرف‌تری از قدرت سخت و نرم است. این خاستگاه، یک جریان سیال، پویا و برآمده از روح جمعی ملت است و به قدرت هوشمند بسیار نزدیک می‌شود. از این روی، می‌توان عمده‌ترین ریشه‌های تراوش قدرت در عرصه جنبش اسلامی انقلاب ایران را مؤلفه‌های فرهنگی- هویتی دانست. در واقع، عناصری چون ژئوپلیتیک دین، فرهنگ و هویت در کنار و هم‌راستا با عناصر سخت‌افزاری چون ژئواکونومی، ژئواستراتژی، توان نظامی، نیروی انسانی و مواردی از این دست، قدرت هوشمند انقلاب اسلامی هستند که به صورت سرراست بر قدرت جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته است. به بیانی دیگر، ایران که خود از دیرباز از موقعیت استراتژیک و برتری هژمونیک در خاورمیانه برخوردار بود، با رخداد انقلاب اسلامی و افزوده شدن بن‌مایه‌های فرهنگی-

هویتی به جریان قدرت آن، توانست با یک رویکرد ترکیبی و جمعی در صحنه سیاسی جهان عرض اندام کند. این رویکرد ترکیبی و جمعی به قدرت که امروزه از آن با عنوان قدرت هوشمند یاد می‌شود. قدرت هوشمند پاسخی است به ناکامی‌هایی که در مؤلفه قدرت نرم و قدرت سخت در گذار و گذر زمان تجربه شده است. در تأمین نگاه حداکثری به منافع ملی، قدرت هوشمند با اهدافی وسیع‌تر و گام‌هایی عمیق‌تر به ژرفای استراتژی ارائه شده و دامنه نفوذ و تأثیرگذاری جهان پیرامون خود توجه می‌کند و تلاش می‌کند تا عملکرد و راهبرد خود را با منطقی که قدرت هوشمند می‌پسندد، توجیه کند. بنابراین، توان ترکیبی قدرت هوشمند از مؤلفه‌های ضروری امروز سیاست نوین جهانی محسوب می‌شود. این توان ترکیبی در امتزاج و آمیختگی قدرت نرم و سخت به دست می‌آید. از این روی، طرح مفهوم قدرت هوشمند را باید پاسخی به تهدیدها، مخاطرات و محدودیت‌هایی دانست که در کاربرد قدرت ایجاد می‌شود. می‌توان قدرت هوشمند را به عنوان شکل تکامل یافته مؤلفه‌ها و موضوعات قدرت سیاسی و استراتژیک در نظر گرفت. از جمله شاخص‌های ژئوپلیتیکی قدرت هوشمند انقلاب اسلامی می‌توان به پشتیبانی افکار عمومی و توده‌های مردم، بازخورد هویت، برجستگی عناصر فرهنگی، حکمرانی معنوی، هنجارها و ارزش‌های جمعی، مشارکت و همگرایی، نیروی انسانی، کارایی نیروهای نظامی، ژئواکونومی، موقعیت استراتژیک و موازنه جدید ژئوپلیتیکی اشاره کرد که همگی در راستای پیدایش و افزایش قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است.

منابع

- احمدپور، حسین و جعفرپناه، مهدی (۱۳۹۰)، «ریشه‌های کسب قدرت در اسلام». ماهنامه روابط فرهنگی، سال نخست، شماره ۴
- اصغری، محمود (۱۳۸۸)، کنکاشی در اندیشه دفاعی امام خمینی، اندیشه حوزه، سال پانزدهم، شماره دوم، خرداد و تیرماه.
- انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۷)، تهدیدات نرم الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده در برابر ایران، گزارش جمهور، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلام، شماره ۲۷.
- ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)، مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- آشنا، حسام‌الدین و اسماعیلی، محمدصادق (۱۳۹۰)، درآمدی بر قدرت هوشمند: مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

- بیگی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی لبنان. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- پور احمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران. قم: بوستان کتاب.
- پور پویان، رضا (۱۳۸۷)، بسیج و کاربرد قدرت نرم در دوران هشت سال دفاع مقدس، در قدرت نرم، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، جلد ۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۰)، جایگاه قدرت نرم در امنیت جمهوری اسلامی ایران. نشریه راهبرد، شماره ۶۱، صص ۱۲۷-۱۰۵.

- تاجیک، محمدرضا (آبان ۷۶)، انقلاب فرا مدرن؛ انقلاب اسلامی در نگاهی دیگر. پژوهشنامه متین، سال اول، شماره اول.

- ترابی، طاهره (۱۳۸۷)، بازخوانی قدرت نرم (با تأکید بر فرهنگ ایرانی-اسلامی)، در قدرت نرم، جلد ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

- توان نظامی و دفاعی ایران در سال ۲۰۱۱؛ منتشر شده در وب سایت.

<http://www.militaryparsis.ir/Military-power/Asian-countries/1184-iran.html>

- جعفرزاده، محمدحسن (۱۳۸۵)، نهضت تولید علم با نگاهی به دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی. قم: انتشارات فجر ولایت.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، نسبت دین و دنیا؛ بررسی و نقد نظریه سکولاریسم. قم: مرکز نشر اسراء.

- جوشقانی، حسین (۱۳۸۹)، جنگ نرم از دیدگاه قرآن. تهران: نشر ساقی.

- حافظ‌نیا، محمدرضا و سید عباس احمدی (۱۳۸۸)، «تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۵.

- حسینی، حسین (۱۳۷۵)، «فرهنگ شیعی و کاریزما در انقلاب ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۷ و ۱۳۸.

- خوشروززاده، جعفر (۱۳۸۸)، میشل فوکو و انقلاب اسلامی؛ رویکردی فرهنگی از منظر چهره‌های قدرت. مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۸ و ۷.

- درزی کلایی، محمدرضا و آقاحسینی، علیرضا (۱۳۹۱)، تأثیر شهادت‌طلبی از دیدگاه امام خمینی (ره) در تغییر مفهوم قدرت از منظر تئوری سازه‌انگاری، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱.

- ربیعی، حسین (۱۳۹۳)، «تبیین شاخص‌های ژئوپلیتیک قدرت هوشمند ایران در راستای تحولات

- جدید خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۳.
- ردادی، محسن (۱۳۸۹)، منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی در اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- عزتی، عزت‌الله و ویسی، هادی (۱۳۸۵)، تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران - هند، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲ پیاپی ۴.
- متقی، افشین و مصیب قره‌بیگی (۱۳۹۳)، «واکاوی گفتمان ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی از نظرگاه نظریه‌سازانگاری، فصلنامه متین انقلاب اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۴.
- متقی، افشین (۱۳۹۴)، تغییرهای ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران: آسیب‌شناسی و ظرفیت‌سنجی مسائل امنیتی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۳.
- فولر، گراهام (۱۳۷۱)، قله عالم. تهران: امیرکبیر.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و همکاران (۱۳۹۰)، قدرتمند هوشمند؛ تحول نوین در عصر جهانی شدن، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم.
- کبریائی زاده، حسن (۱۳۹۰)، قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران و انقلاب‌های خاورمیانه، ماهنامه روابط فرهنگی، سال نخست، شماره ۴.
- کوشکی، محمدصادق، (۱۳۸۷)، بازشناسی هویت انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴.
- کریمی، مصطفی و دیگران (۱۳۸۸)، راه و راهنما شناسی، مبانی اندیشه اسلامی ۳. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- گروه مطالعات امنیتی (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع عالی ملی.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، نگاهی به قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۲)، نگاهی به رویکرد قدرت هوشمند اوپاما در قفقاز جنوبی، ایراس، <http://www.iras.ir/vdceo78x.jh8zwi9bbj.html>
- حمدی، منوچهر (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل. چاپ پنجم، نشر دادگستر.
- مرادی، حجت‌الله (۱۳۸۸)، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل. تهران: نشر ساقی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، خدمات متقابل اسلام و ایران. باز نشر در وبسایت اینترنتی؛

<http://ramsarnewsarshiv.blogspot.com/1388/12/26/post-78/>

- ملائی، کامبیز (۱۳۸۷)، فرهنگ بسیجی و قدرت نرم، در قدرت نرم. جلد ۳، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

- موسوی خمینی، روح‌الله امام خمینی ره (۱۳۷۹)، صحیفه نور. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد بیستم، چاپ سوم.

- نظری، علی اشرف (۱۳۸۶)، نگرش مدرن به مفهوم قدرت سیاسی، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴، صص ۱۵۰-۱۲۲.

- نظری، علی اشرف (۱۳۸۷)، تحلیل روابط قدرت از منظر فوکو، روزنامه ایران، شماره ۳۹۴۸، ۲۱ خرداد ۱۳۸۷.

- نوابخش، مهرداد و کریمی، فاروق (۱۳۸۸)، واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو، مطالعات سیاسی، شماره ۳، صص ۶۳-۴۹.

- هرسیج، حسین؛ تویسرکانی، مجتبی و جعفری لیلا (۱۳۸۸)، ژئوپولیتیک قدرت نرم ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۲.

- یوسفی، جعفر (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان‌های اسلامی و لیبرال دموکراسی، در قدرت نرم. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، جلد ۱.

- Baldwin, D. (2003). Power and International Relations In W. Carlsnaes et al eds. Handbook of International Relations, London: Sage

- Etheridge, Er. (2014). "How Soft Power got Smart". The New York Times. Retrieved April 2014, URL: opinionator.blogs.nytimes.com/2009/01/14/how-soft-power-got-smart/

- Fotoui, E. (2010). "Smart Power and U.S. Turkish Relations". Expert Advisory Group (EAG). Retrieved 30 April 2010, URL: www.kas.de/wf/doc/kas_18793-544-2-30.pdf

- Gavel, D. (2012). "Joseph Nye on Smart Power". Harvard University Kennedy School. Retrieved 26 April 2012, URL: <http://www.hks.harvard.edu/news-events/publications/insight/international/joseph-nye>

- Glasser B. S. (2014) The Price of Smart Power Will Obama's nuclear deal with Iran come at the cost of Syrian lives?, URL:

<http://www.politico.com/magazine/story/2013/11/the-price-of-smart-power-samantha-iran-syria-100417.html#.UwUT0s4mukw>

- Hafeznia, M., Ghorbaninejad, R., Ahmadipour, Z. and Ghavam, A. (2014), Tension and Conflict Theories between Countries: Review, Critique and Presenting a Theoretical Model, *Geopolitics Quarterly, Volume: 9, No 4, Winter 2014, pp. 1-35*

- Kemp, G. & Harkavy, R. (2004). Strategic Geography of Middle East, Strategic Studies Institution's Press

- Foucault M. (1987). "Tehran, La Fede contro La scia" *corriere della sera*, vol. 103, No 237. 8 october 1978

- Mundow, A. (2012). "Wielding "Smart Power" in World Affairs". *Boston Globe*. Retrieved 12 April 2012, URL:

http://www.boston.com/ae/books/articles/2011/02/06/wielding_smart_power_in_world_affairs/

- Nossel, S. (2004) Smart power, *Foreign Affairs*, March/ April.

- Nye, J. (2009). "Get Smart Combining Hard and Soft Power", *Foreign Affairs*, July/August

- Sehgal, I. (2013) Power: hard, soft and smart, URL:

<http://www.thenews.com.pk/Todays-News-9-216746-Power-hard-soft-and-smart>

- Wilson, Ernest. J. (2008) hard power, soft power, smart power, *The Annals of the American Academy of political and social science the American Academy of political and social science*, March.